

بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان

سیما نی‌زاده سرابندی*

چکیده: این مقاله به بررسی مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان از جهت وضعیت آموزش می‌پردازد. هدف این مقاله رتبه‌بندی مناطق و نواحی آموزشی از نظر میزان دستیابی دانش‌آموزان دختر و پسر مقاطع سه‌گانه تحصیلی به فرصت‌های آموزشی است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از داده‌های آماری آخرین سرشماری نفوس و جمعیت کشور بدست آمده است. از این رو سه نوع نابرابری در مورد استان سیستان و بلوچستان مشاهده می‌شود. نخست، بین استان با میانگین کشوری. دوم، بین مناطق مختلف استان و سوم، میان دختران و پسران. این نابرابری، عموماً در مقاطع تحصیلی بالاتر تشدید می‌شود. برای رتبه‌بندی مناطق و نواحی از شاخص انتخاب، ضریب جینی و منحنی لورنز استفاده شد و میزان دسترسی به فرصت‌های آموزشی در قالب پوشش تحصیلی واقعی، نرخ گذر تحصیلی، انجام گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که وضعیت آموزشی در استان هم در بین نواحی مختلف استان نابرابر است و هم تفاوت‌های جنسیتی قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود. افزون بر این وضعیت استان از میانگین کشوری نیز پایین‌تر است.

واژه‌های کلیدی: فرصت‌های آموزشی، پوشش تحصیلی و نرخ گذر تحصیلی.

مقدمه و طرح مسئله

هرگونه تغییر و تحول سازنده‌ای بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد انجام شدنی نیست و نیروی انسانی کارآمد در سایه فرصت‌های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. از این رو طی دهه‌های اخیر موضوع فرصت‌های برابر آموزشی مورد بحث صاحب‌نظران بوده است (مشایخ، ۱۳۷۷: ۷۴). کومبز^۱ از اندیشمندان پیشرو در زمینه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش بر این اعتقاد است که برنامه‌ریزی آموزشی و توسعه مناسب آن منجر به ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی می‌گردد و برای تحقق این امر مهم منابع در دسترس آموزشی را می‌باید به سطوح و اجزای مختلف نظام آموزشی از جمله به دختران و پسران اختصاص و تسری داد (معروفی، ۱۳۷۹: ۶۲).

«تودارو»^۲ وظیفه اصلی توسعه ملی در اکثر کشورهای جهان سوم را گسترش کمی و سریع فرصت‌های آموزشی می‌داند تا جوانان دختر و پسر در این جوامع قابلیت‌های خود را تا سرحد امکان بروز داده و فاصله آن‌ها با افراد سایر مناطق به حداقل رسیده و ضریب نابرابری صفر گردد (فرجادی پور، ۱۳۷۱: ۴۷۳). هموار کردن راه‌های تحصیل در طول سه دهه گذشته یک هدف مهم و سیاستی آشکار در کشورهای در حال توسعه بوده است. در ایران نیز جدا از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین ملی و مذهبی نیز بر اهمیت این موضوع تأکید داشته‌اند.

اهمیت کسب سواد و علم آموزی و دستیابی به عدالت جنسیتی هم در مذهب و هم در قوانین ما از جمله قانون اساسی به صراحت تأکید شده است. پیش از اسلام علم آموزی یک جریان فراگیر و در دسترس همگان نبوده و تنها اقلیتی خاص از آن بهره‌مند می‌شدند و بهترین آرزوی ایرانیان امکان آموزش فرزندانشان بوده است. دین مبین اسلام فراگیری علم را از اولویت‌های خود قرار داد و ندای «اطلبوا العلم فریضه علی کل المسلم و مسلمه» را به همه مردان و زنان گوش‌زد نمود. در قانون اساسی نیز بر این امر تأکید شده است. در اصل سی‌ام قانون اساسی دولت موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره تحصیلی متوسطه را فراهم نماید (ملکی، ۱۳۷۲: ۱۱) و در اصل نوزدهم نیز به حقوق مساوی مردم ایران صرف نظر از رنگ، نژاد و زبان اشاره می‌نماید (همان: ۳۱).

^۱ - Coombs

^۲ - Todaro

بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۵۷

لزوم آموزش و عدالت آموزش در معاهدات و کنوانسیون‌های جهانی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در آستانه عصر جدید و نیاز دولت‌ها به حضور در عرصه جهانی، توجه ویژه به آموزش به عنوان یک حق را برای ملت‌ها پررنگ نموده است. بر این اساس دولت‌ها متعهد به تأمین آموزش برای آحاد ملت خود هستند. حق قانونی برای دسترسی به آموزش پلی برای لذت بردن از همه حقوق انسانی دیگر است و نادیده انگاشتن این حقوق به مخاطره انداختن انسانیت است (توماسوسکی، ۲۰۰۳: ۱). اگر حق آموزش را انکار کنیم تبعیض علیه دختران را قبول کرده‌ایم. چون آموزش از حقوق اساسی بشر است (توماسوسکی، ۲۰۰۶: ۱). کنوانسیون حقوق بشر می‌گوید هر فردی حق دسترسی به آموزش را دارد و آموزش باید حداقل در مراحل پایه‌ای و ابتدایی الزامی و رایگان باشد (یونسکو on line: ۳).

معاهده تصویب شده در کشور داکار نیز خواهان رفع هر گونه تبعیض علیه دختران و زنان به ویژه در زمینه آموزش است و تأکید دارد که زنان باید حق دسترسی به آموزش را دارا باشند (توماسوسکی، ۲۰۰۶: ۴۲). استانداردهای سازمان بین‌المللی کار نیز دستورالعمل مفیدی تدارک دیده است. این استانداردها تأکید می‌کند که حداقل سن کودکان برای کار نباید از سن تکمیل آموزش رایگان کمتر باشد و بند ۳۲ این معاهده از کودکان در برابر اشتغالی که مانع آموزش او می‌گردد حمایت می‌کند و بند ۱ معاهده جهانی، سن قانونی یکسانی را برای ازدواج دختران و پسران توصیه می‌کند و ازدواج زود هنگام را عامل مهمی در ممانعت از تحقق حقوق آموزشی دختران می‌داند (مل چپوری، ۲۰۰۴: ۴). با وجود قوانین ملی و جهانی در حمایت از تحصیل کودکان در برخی از مناطق استان سیستان و بلوچستان پسران به دلیل فقر مالی خانواده زودتر از سن قانونی به کار مشغول می‌شوند و دختران هم به دلیل ازدواج زود هنگام از حق دسترسی به آموزش محروم می‌گردند. با توجه به این که باسوادی از مهم‌ترین هدف‌های آموزشی در سطح جهان است، در سال‌های اخیر تقاضا برای تحصیل به نسبت سال‌های پیش از انقلاب در بین دختران و پسران استان افزایش یافته است. ولی سوابق نشان می‌دهد که زنان استان به دلایل مختلف از جمله دیدگاه‌های منفی فرهنگی نسبت به تحصیل، نگرش جنسیتی، محدودیت تنوع شغلی و ازدواج زود هنگام هنوز نتوانسته‌اند سهم واقعی خود را در محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و به خصوص در زمینه کسب سواد و ازدواج زود هنگام احراز نمایند. میزان پایین سواد در میان هر دو جنس در مناطق و نواحی آموزشی شایع است. جدول شماره ۱ نیم‌رخ از وضعیت سواد بین دو جنس در دهه‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ را به تصویر کشیده است.

¹ - Melchiorre

جدول شماره ۱- تعداد باسوادان در میان جمعیت ۶ سال به بالای استان سیستان و بلوچستان به تفکیک

جنسیت

تعداد کل باسوادان	تعداد باسوادان		تعداد جمعیت		سال
	مؤنث	مذکر	تعداد	درصد	
۱۵۵۷۰۵	۱۰۶۲۱۶	۴۹۴۸۹	۵۲۳۳۱۵		۵۵
۲۹/۷۵	۳۹/۶۴	۱۹/۳۸			
۳۱۷۵۲۲	۲۰۷۹۷۷	۱۰۹۵۴۵	۸۱۲۱۹۲		۶۵
۳۵/۹۹	۴۶/۲۹	۲۵/۳۱			
۸۰۲۸۲۵	۴۶۶۳۳۸	۳۳۶۴۸۷	۱۴۰۲۰۶۸		۷۵
۵۷/۲۶	۶۵/۴۴	۴۸/۸۰			

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ناشر مرکز آمار ایران

آمارهای موجود و پژوهش‌های انجام شده حکایت از نابرابری فرصت‌های آموزشی در سطح جهانی دارد. نسبت اشتغال به تحصیل گروه‌های سنی نیز توزیع نامتعادل ثبت‌نام‌ها را در جهان به خوبی نشان می‌دهد (بارانی و همکاران، ۱۳۷۸: ۷). البته مفهوم فرصت‌های برابر آموزشی نیز دارای نوساناتی بوده است (معروفی، ۱۳۷۹: ۹). دامنه این تغییرات از حضور کلیه دانش‌آموزان در مدرسه و عدم پرداخت هر گونه وجهی بابت ثبت‌نام شروع و با ارائه آموزش‌های یکسان برای همگان، برابری فرصت‌ها در خروج از مدرسه و اثرات آموزش به دست آمده از تحصیل در نوسان بوده است. تحقیقات کلمن^۱ در زمره پژوهش‌های اولیه‌ای است که در خصوص فرصت‌های آموزشی انجام گرفته است (معروفی، ۱۳۷۹: ۱۲). به گفته کومیز اساسی‌ترین دلایل بنیادی نابرابری‌های جنسی در آموزش از فرهنگ سنتی، آداب و رسوم و تابوهای جوامع خاص ریشه می‌گیرد (آل آقا، ۱۳۷۳: ۳۳۳). می‌یرز^۲ (۲۰۰۳: ۱۲) در خصوص نابرابری فرصت‌های آموزشی می‌گوید که هنوز با گذشت ۱۲۰ سال برابری آموزشی از کودکان سیاهپوست دریغ شده است.

هانوم^۳ (۲۰۰۲: ۳) بر این باور است که گسترش دسترسی به آموزش و کاهش هزینه‌های آن برای خانواده‌های فقیر می‌تواند منجر به کاهش نابرابری‌های مربوط به فقر و جنسیت شود. استروم کوئیست^۱ در

^۱ -Coleman

^۲ - Meyers

^۳ - Hannum

خصوص نابرابری‌های آموزشی مربوط به زنان می‌گوید: که برابری جنسیتی زمانی در آموزش رخ می‌نماید که تبعیض جنسی، گفتارهای کلیشه‌ای جنسی و جدایی جنسی حذف گردد و بی‌شاپ^۲ مطرح می‌کند که بین فرصت‌های در دسترس آموزش برای مردان و زنان تفاوت‌های کلی وجود دارد (مرادی، ۱۳۸۴: ۱۳۰). پژوهش‌های انجام گرفته در ایران نیز عدم دسترسی یکسان به فرصت‌های آموزشی را نشان می‌دهد. پژوهش اسماعیل سرخ (۱۳۸۰: ۱۴۴) نشان می‌دهد که فرصت‌های آموزشی در هیچ یک از دوره‌های تحصیلی به صورت متعادل و یکسان بین دانش‌آموزان دختران و پسران در زمینه دست‌یابی به فرصت‌های پژوهشی داش‌خانه (۱۳۸۰: ۵۱) نشان از نابرابری دختران و پسران در زمینه دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی و تفاوت منطقه ای در این زمینه دارد. نرخ گذر^۳ تحصیلی دختران در استان تهران با رتبه ۱ بالاترین و سیستان و بلوچستان با ۲۶ پائین‌ترین بوده است. نتایج تحقیق صدیق سروستانی (۱۳۸۰: ۱۶) نشان می‌دهد که سطح سواد از ابتدایی به راهنمایی و متوسطه در دختران واجب‌التعلیم کاهش می‌یابد. مرادی (۱۳۸۳: ۱۴۸) می‌گوید عامل جنسیت و نابرابری فرصت‌ها رابطه معنی‌داری با هم دارد و جنسیت یک عامل مهم در عدم دستیابی دختران به آموزش است و پوشش تحصیلی دختران نامطلوب‌تر از پسران است. نتایج تحقیق آبیلی (۱۳۸۳: ۳۴) نشان می‌دهد که علت ترک تحصیل و سواد پایین زنان، ازدواج زودهنگام و قبول وظایف خانگی مادر است. نتایج تحقیق میرهادی (۱۳۸۴: ۳) نشان می‌دهد که با گذر دانش‌آموزان به پایه‌ها و سطوح بالاتر تحصیلی شاهد نابرابری‌های بیشتری از نظر فرصت‌های آموزشی هستیم. شهریاری (۱۳۸۴: ۳۴) می‌گوید آنچه موجب می‌شود زنان کمتر از مردان از نعمت سواد برخوردار گردند کلیشه‌های سنتی و فقر فرهنگی است.

با توجه به زمینه فوق این مقاله در پی بررسی دستیابی به اهداف ذیل است:

۱. رتبه‌بندی مناطق و نواحی آموزشی استان سیستان و بلوچستان از نظر میزان دستیابی دانش‌آموزان دختر و پسر مقاطع سه‌گانه به فرصت‌های برابر آموزشی.
۲. میزان پوشش تحصیلی واقعی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌های ابتدائی - راهنمایی و متوسطه در مناطق و شهرستان‌های تابعه استان و مقایسه با میانگین کشوری.

^۱ - Strom quist

^۲ -Bishop

^۳ -Transition rate

۳. نرخ گذر تحصیلی دانش‌آموزان استان از ابتدائی به راهنمائی و از راهنمائی به متوسطه و مقایسه با میانگین کشوری .

مفاهیم و متغیرهای اساسی

۱. فرصت‌های برابر آموزشی

الف: تعریف نظری: منظور این است که مناطق و نواحی آموزشی به تناسب جمعیت در هر یک از گروه‌های سنی شانس برابری در برخورداری از آموزش و استفاده از منابع و امکانات آموزشی داشته باشد (امکاناتی مانند معلم، مدرسه و کلاس) (مشایخ، ۱۳۷۷: ۷۴).

ب: تعریف عملیاتی: در این تحقیق برای اندازه‌گیری عملیاتی متغیر فرصت‌های آموزشی از شاخص‌هایی مانند ضریب جینی^۱ - منحنی لورنز^۲، شاخص انتخاب، پوشش تحصیلی واقعی و نرخ گذر استفاده شده است.

۲. **ضریب پوشش تحصیلی واقعی:** شاخص پوشش تحصیلی نمایانگر نرخ و میزان اشتغال به تحصیل در بین جمعیت سنی مرتبط با دوره‌های مختلف تحصیلی است که از فرمول زیر به دست می‌آید (دبیری، ۱۳۷۶: ۸):

$$\text{جمعیت لازم التعليم مرتبط با گروه سنی دوره تحصیلی} = \frac{\text{تعداد دانش آموزان گروه سنی مربوط به یک دوره تحصیلی}}{\text{پوشش تحصیلی واقعی}} \times 100$$

۳. **جمعیت لازم التعليم:** مجموعه افرادی که می‌توانند بر اساس ضوابط سنی موجود در یکی از دوره‌های تحصیلی رسمی متعلق به وزارت آموزش و پرورش ثبت نام نمایند (معروفی، ۱۳۷۹: ۵).

^۱ -Gini Coefficient

^۲ - Lorenz Curve

بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۶۱

جمعیت لازم‌التعلیم در گروه‌های سنی عبارتند از :

الف - گروه سنی لازم‌التعلیم در دوره ابتدائی که کودکان ۱۰ - ۶ ساله می‌باشند.

ب : گروه سنی لازم‌التعلیم در دوره راهنمایی که نوجوانان ۱۳ - ۱۱ ساله می‌باشند.

ج - گروه سنی لازم‌التعلیم در دوره دبیرستان که جوانان ۱۷ - ۱۴ ساله می‌باشند.

۴. شاخص انتخاب: شاخص انتخاب یک منطقه از تقسیم درصد دانش‌آموزان یک منطقه از کل

دانش‌آموزان در یک دوره تحصیلی به درصد - جمعیت استان محاسبه می‌گردد (عزیز زاده، ۱۳۷۶ : ۵۸).

$$\text{شاخص انتخاب} = \frac{\text{درصد دانش آموزان یک منطقه از کل دانش آموزان استان}}{\text{درصد جمعیت همان منطقه از کل جمعیت استان}}$$

۵. منحنی لورنز و ضریب جینی: به وسیله این دو شاخص فرصت‌های آموزشی و اختلاف و درجه

محرومیت و برخورداری مناطق و نواحی، مورد بررسی قرار گرفت . برای محاسبه ضریب جینی نتایج حاصل

از شاخص انتخاب را از زیاد به کم رتبه‌بندی نموده و نسبت‌های تجمعی، جمعیت نفوس و مسکن مناطق و

نواحی و نسبت‌های تجمعی دانش‌آموزی در هر منطقه را محاسبه و با استفاده از فرمول زیر ضریب جینی به

دست می‌آید:

$$G = \sum_{i=1}^n (pi(qi - 1) - (pi - 1)qi)$$

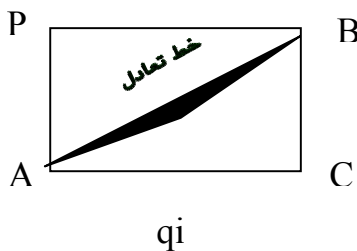
با استفاده از نسبت تجمعی جمعیت نفوس و مسکن و نواحی (qi) بر روی محور افقی و نسبت تجمعی

جمعیت دانش‌آموزی (pi) که بر روی محور عمودی قرار می‌گیرد منحنی لورنز ترسیم می‌گردد. هر قدر

منحنی حاصل به خط تعادل نزدیک‌تر باشد نابرابری فرصت‌های آموزشی کمتر و هر قدر فاصله بیشتر باشد

نابرابری بیشتر است. در واقع مساحت قسمت هاشور خورده به مساحت مثلث ABC ضریب جینی را تشکیل

می‌دهد.



۶. شاخص: عبارت است از بیان کمی که معمولاً رابطه موجود بین دو کمیت را نشان می‌دهد (محسن پور، ۱۳۷۶:۹۳). رتبه‌بندی مناطق و شهرستان‌های استان بر اساس شاخص‌های بسیار محروم، محروم، متعادل، مرفه و بسیار مرفه به شرح ذیل حاصل شده است (کلیدری، ۱۳۷۴: ۱۸).

۱. مناطق بسیار محروم (شاخص انتخاب کمتر از ۰/۵)
۲. مناطق محروم (شاخص انتخاب ۰/۵ تا ۰/۹۵)
۳. مناطق متعادل (شاخص انتخاب ۰/۹۶ تا ۱/۰۵)
۴. مناطق مرفه (شاخص انتخاب ۱/۰۶ تا ۱/۵)
۵. مناطق بسیار مرفه (شاخص انتخاب ۱/۵ به بالا)

۷. نرخ گذر تحصیلی: انتقال و عبور دانش‌آموزان از یک دوره تحصیلی به دوره تحصیلی بالاتر گذر تحصیلی نامیده می‌شود. برای محاسبه، نیاز به تعداد دانش‌آموزان پایه آخر هر یک از دوره‌های تحصیلی (دوره ابتدائی، راهنمایی، دبیرستان) و آمار تعداد دانش‌آموزان ثبت نام کننده جدید در پایه اول دوره تحصیلی بالاتر می‌باشد (مشایخ، ۱۳۷۷: ۷۱).

روش تحقیق

الف) روش تحقیق با توجه به موضوع و هدف آن توصیفی - تحلیلی است .

ب) جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از:

۱. کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مناطق و نواحی آموزشی استان سیستان و بلوچستان که در سال ۱۳۷۶ - ۱۳۷۵ به تحصیل تمام وقت در محیط‌های آموزشی اشتغال داشته‌اند.

۲. جمعیت لازم‌التعلیم هر منطقه و نواحی آموزشی به تفکیک جنسیت.

۳. جمعیت نفوس و سرشماری سال ۱۳۷۵ به تفکیک مناطق، نواحی و جنسیت.

ج) جمعیت نمونه: در این تحقیق نمونه برابر با کل جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر داده‌ها از طریق سرشماری کامل افراد (سرشماری سال ۱۳۷۵) گرد آوری شده است.

بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۶۳

د) روش‌های آماری: اطلاعات به دست آمده در این تحقیق با توجه به موضوع تحقیق با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی نظیر جداول و نمودارها، درصد و نسبت‌ها، شاخص انتخاب، ضریب جینی و منحنی لورنز، پوشش تحصیلی واقعی، نرخ گذر، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی و نرخ تراکم دانش‌آموزان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

توزیع فرصت‌های آموزشی در سیستان و بلوچستان

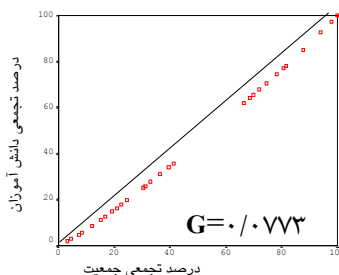
مطالعه پیرامون نظام آموزشی و ویژگی‌های مربوط به آن نقش مهمی در توسعه پایدار زندگی بشری دارد. با مشاهده جنبه‌هایی از این توسعه می‌توان به میزان دانش - توانش و نگرش کلیه عوامل مربوط به این نظام دسترسی پیدا نمود. در این مقاله فرصت‌های آموزشی مربوط به دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌های ابتدایی - راهنمایی و متوسطه مناطق و نواحی آموزشی استان سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ بررسی می‌شود. یافته‌های به دست آمده به شرح ذیل است:

فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان دختر در دوره ابتدایی

۱- فرصت‌های آموزشی دختران به نسبت مساوی و با رتبه ای یکسان بین مناطق و نواحی آموزشی استان توزیع نشده است. رتبه بندی مناطق و نواحی آموزشی در بخش‌های محروم، متعادل و مرفه گویای این نابرابری است. برای نمونه می‌توان گفت یک نفر دانش آموز دختر بمپوری در بخش مرفه (۲/۰۸) بیشتر از یک دانش آموز دشتیاری در بخش محروم از فرصت‌های آموزشی برخوردار بوده است. ضریب جینی ($G=0.0773 > 0$) نشان دهنده نابرابری در ایجاد فرصت‌های آموزشی بین دختران مناطق و نواحی آموزشی استان است (نمودار شماره ۱).

$$1/25 \div 0/60 = 2/08$$

نمودار شماره ۱- منحنی لورنز دانش‌آموزان دختر ابتدایی



۲ - اختلاف ۲۶/۵۲ درصدی بین میانگین پوشش تحصیلی واقعی دختران استان با کشور حاکی از این است که موفقیت استان در جذب دانش‌آموزان دختر واجب‌التعلیم ۲۷ درصد پایین‌تر از میانگین کشوری بوده است (۲۷ = ۶۲/۴۸ - ۸۹) (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲) - ضریب جینی و پوشش تحصیلی واقعی دانش‌آموزان دختر و پسر مقاطع سه گانه استان و مقایسه با میانگین کشوری

دوره تحصیلی	جنسیت	حداکثر پوشش	مقدار	حداقل پوشش	مقدار	اختلاف حداکثر با حداقل	میانگین استان	میانگین کشور	اختلاف استان با کشور	ضریب جینی
ابتدایی	دختر	زایل	۸۶/۱۸	نصرت آباد	۳۲/۸۱	۳۲/۸۱	۶۲	۸۹	۱۸	۰/۰۷۷۳
	پسر	بمپور	۸۶/۹۵	نصرت آباد	۵۰/۱۵	۳۶/۸۰	۷۲	۹۲	۲۰	۰/۰۳۶۵
راهنمایی	دختر	زایل	۷۴/۰۲	دشتیاری	۲/۹۳	۷۱/۰۹	۳۲	۶۷	۳۵	۰/۳۰۲۹
	پسر	زایل	۷۱/۵۱	راسک	۱۸/۴۷	۵۳/۰۴	۴۴	۷۲	۲۸	۰/۱۱۸۲
متوسطه	دختر	زایل	۶۰/۸۹	نصرت آباد	۰/۱۵	۶۰/۷۴	۱۳/۸۳	۴۷/۸۰	۳۳/۹۷	۰/۴۲۹۵
	پسر	زایل	۵۵/۳۸	نصرت آباد	۱/۹۱	۵۳/۴۷	۲۶/۵۳	۴۶/۷۰	۲۰/۱۷	۰/۲۴۰۲

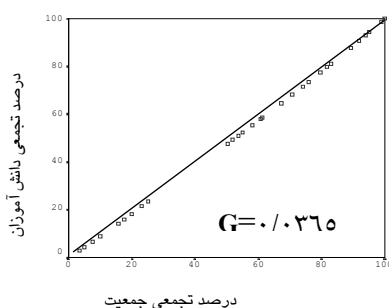
فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان پسر در دوره ابتدایی

۱ - فرصت‌های آموزشی پسران نیز به نسبت مساوی و با رتبه‌ای یکسان بین مناطق و نواحی آموزشی استان توزیع نشده است. تفاوت میان مناطق و نواحی ششگانه آموزشی استان که با شاخص کمتر از یک در بخش محروم رتبه‌بندی شده‌اند با مناطق نه‌گانه‌ای که با شاخص بیشتر از یک در بخش مرفه رتبه‌بندی شده‌اند نشان از فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دانش‌آموزان پسر مناطق و نواحی آموزشی استان است. برای نمونه احتمال شانس یک نفر دانش‌آموز پسر جالقی در برخورداری از فرصت‌های آموزشی (۱/۴۳)

بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۶۵

برابر یک نفر دانش آموز پسر میانگینی است ($1/43 = 0/86 \div 1/23$). ضریب جینی ($G = 0/365 > 0$) نشان دهنده این نابرابری است (نمودار شماره ۲).

نمودار شماره ۲ - منحنی لورنز دانش آموزان پسر ابتدایی



۲ - اختلاف ۳۶/۸۰ درصدی بین بیشترین و کمترین پوشش تحصیلی واقعی پسران نشان‌دهنده فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دانش آموزان پسر مناطق و نواحی آموزشی استان است (جدول شماره ۲).
۳ - اختلاف ۲۰ درصدی میانگین پوشش تحصیلی واقعی پسران استان با کشور حاکی از این است که موفقیت مناطق و نواحی آموزشی استان در جذب دانش آموز پسر واجب‌التعلیم ۲۰ درصد پایین‌تر از میانگین کشوری است ($20 = 72 - 92$) (جدول شماره ۲).

مقایسه فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان دختر و پسر ابتدایی

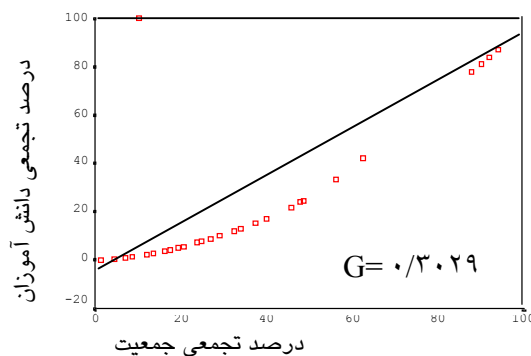
۱ - در این سال میزان دستیابی دانش‌آموزان دختر مناطق و نواحی آموزشی به فرصت‌های آموزشی کمتر از دانش‌آموزان پسر بوده است. به عبارت دیگر مقدار ضریب جینی دختران بزرگتر از مقدار ضریب جینی پسران است ($G = 0/365$ پسران $G = 0/773 >$ دختران) (جدول شماره ۲).
۲ - هر چند که هیچکدام از دانش‌آموزان دختر و پسر مناطق و نواحی آموزشی در بخش بسیار مرفه و بسیار محروم رتبه‌ای کسب نکرده‌اند. با این حال وجود دوازده منطقه و ناحیه آموزشی مربوط به دانش‌آموزان دختر با شاخص انتخابی بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۴ در بخش محروم حاکی از فرصت‌های آموزشی کمتر دختران نسبت به پسران است در حالی که دانش‌آموزان پسر تنها در شش منطقه در بخش محروم رتبه بندی شده‌اند.

۳ - اختلاف ۷ درصدی مربوط به میانگین پوشش تحصیلی واقعی دختران و پسران استان با کشور حاکی از فرصت‌های آموزشی کمتر دختران نسبت به پسران است. به عبارت دیگر دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر در مقیاس کشوری ۷ درصد از پوشش پایین‌تری برخوردار بوده‌اند ($27-20 = 7$) (جدول شماره ۲) نتایج این تحقیق با تحقیقات دیگر همخوانی دارد.

فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی

۱ - در سال تحصیلی ۷۶ - ۷۵ فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان دختر با رتبه‌ای مساوی بین مناطق و نواحی آموزشی استان توزیع نشده است. بر این اساس سیزده منطقه آموزشی با شاخص انتخاب بین ۰/۱۱ تا ۰/۶۵ در بخش بسیار محروم و هفت منطقه با شاخص بین ۰/۵۴ تا ۰/۸۰ در بخش محروم، نابرخوردارترین مناطق از نظر فرصت‌های آموزشی هستند که در این میان بم پشت با پایین‌ترین شاخص انتخاب (۰/۱۱) محروم‌ترین منطقه آموزشی و زابل با بالاترین شاخص انتخاب (۲/۱۹) مرفه‌ترین مناطق آموزشی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت یک نفر دانش‌آموز دختر شهرستان زابل ۱۹/۹۰ برابر از فرصت‌های آموزشی بیشتری نسبت به یک دانش‌آموز دختر بم پشتی برخوردار است ($2/19 \div 0/11 = 19/90$). ضریب جینی ($G = 0/3029 > 0$) نشان دهنده‌ی فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران مناطق و نواحی آموزشی استان است (نمودار شماره ۳).

نمودار شماره ۳ - منحنی لورنز دانش‌آموزان دختر راهنمایی



بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۶۷

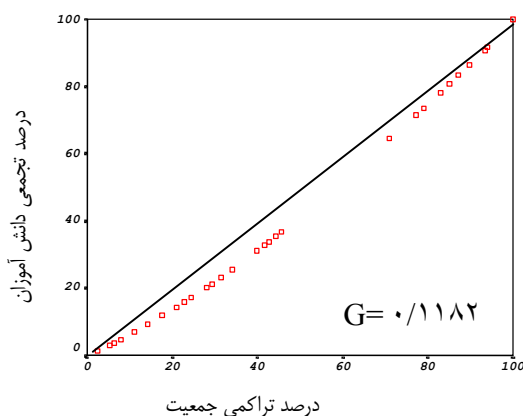
۲ - اختلاف ۳۵ درصدی بین میانگین پوشش تحصیلی واقعی دختران استان با کشور حاکی از این است که مناطق و نواحی آموزشی استان در جذب دانش‌آموزان دختر واجب‌التعلیم ۳۵ درصد پایین‌تر از میانگین کشوری قرار دارد ($۳۵ = ۶۷ - ۳۲$) (جدول شماره ۲) .

۳ - اختلاف ۷۱/۰۹ درصدی بین بیشترین و کمترین پوشش تحصیلی واقعی دختران نشان‌دهنده فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دانش‌آموزان دختر مناطق و نواحی آموزشی استان است (جدول شماره ۲).

فرصت های آموزشی بین دانش آموزان پسر دوره راهنمایی

۱ - در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵ فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان پسر با رتبه‌ای یکسان بین مناطق و نواحی آموزشی استان توزیع نشده است. بر این اساس هفده منطقه و ناحیه با شاخص‌های انتخاب بین ۰/۵۹ تا ۰/۹۵ محرومترین مناطق و نواحی آموزشی است و ده منطقه با شاخص انتخاب بین ۱/۱۰ تا ۱/۴۱ مرفه‌ترین منطقه و ناحیه آموزشی است. در این راستا راسک با پایین‌ترین شاخص انتخاب (۰/۵۹) محروم‌ترین منطقه و بزمان و زابل با شاخص انتخاب ۱/۴۱ مرفه‌ترین منطقه و ناحیه آموزشی استان به شمار می‌روند. به عبارت دیگر می‌توان گفت فرصت‌های آموزشی یک نفر دانش‌آموز پسر در شهرستان‌های زابل و بزمان ۲/۳۹ برابر یک نفر دانش‌آموز در منطقه راسک است ($۲/۳۹ = ۰/۵۹ \div ۱/۴۱$) ضریب جینی ($G = ۰/۱۱۸۲ > ۰$) گویای این نابرابری است (نمودار شماره ۴).

نمودار شماره ۴ - منحنی لورنز دانش آموزان پسر راهنمایی



- ۲ - اختلاف ۵۳/۰۴ درصدی بین بیشترین و کمترین پوشش تحصیلی واقعی پسران نشان‌دهنده فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دانش‌آموزان پسر مناطق و نواحی استان است (جدول شماره ۲).
- ۳ - اختلاف ۲۸ درصدی بین میانگین پوشش تحصیلی واقعی پسران استان با کشور نشان‌دهنده این مسئله است که میانگین مناطق و نواحی آموزشی استان در جذب دانش‌آموز پسر واجب‌التعلیم ۲۸ درصد از میانگین کشوری پایین‌تر بوده است ($۲۸ = ۴۴ - ۷۲$).

مقایسه فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان دختر و پسر راهنمایی

- ۱ - در این سال میزان دستیابی دانش‌آموزان دختر مناطق و نواحی آموزشی به فرصت‌های آموزشی کمتر از دانش‌آموزان پسر بوده است. بزرگتر بودن مقدار ضریب جینی دختران از پسران مؤید این نکته است ($G = ۰/۱۱۸۲$ پسران $G = ۰/۳۰۲۹ >$ دختران) (جدول شماره ۲).
- ۲ - وجود دانش‌آموزان دختر در دوازده منطقه و ناحیه آموزشی با شاخص کمتر از ۰/۵ در بخش بسیار محروم و همچنین وجود دانش‌آموزان دختر در مناطق و نواحی هفت‌گانه آموزشی با شاخص انتخاب ۰/۵۴ تا ۰/۸۰ در بخش محروم و از طرفی وجود دانش‌آموزان پسر در هفده منطقه و ناحیه آموزشی با شاخص انتخاب بین ۰/۵۹ تا ۰/۹۵ تنها در بخش محروم گویای این مسئله است که دانش‌آموزان دختر از فرصت‌های آموزشی کمتری نسبت به دانش‌آموزان پسر برخوردار بوده‌اند.
- ۳ - اختلاف ۷ درصدی مربوط به میانگین پوشش تحصیلی واقعی دختران و پسران استان با کشور حاکی از فرصت‌های آموزشی کمتر دختران نسبت به پسران است. به عبارت دیگر دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر در مقیاس کشوری ۷ درصد از پوشش پایین‌تری برخوردار هستند.

فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان دختر متوسطه

- ۱ - رتبه‌بندی مناطق و نواحی آموزشی استان از نظر فرصت‌های آموزشی در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه در پنج بخش بسیار مرفه، مرفه، متعادل، محروم و بسیار محروم حکایت از فرصت‌های نابرابر

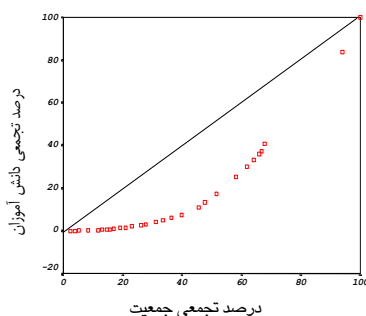
بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۶۹

آموزشی بین مناطق و نواحی آموزشی می‌کند. در این راستا مناطق و نواحی هجده‌گانه آموزشی استان با شاخص انتخاب کمتر از ۰/۵ جزء محرومترین مناطق و نواحی آموزشی و مناطق چهارگانه بزمان، بمپور، زاهدان و زابل با شاخص انتخاب بیشتر از ۱/۵ در زمره مرفه‌ترین مناطق و نواحی آموزشی است که خود حاکی از رتبه‌ای غیر یکسان در میان مناطق و نواحی آموزشی است. بر این اساس منطقه راسک با پایین‌ترین شاخص انتخاب (۰/۰۱) محرومترین منطقه و شهرستان زابل با بالاترین شاخص انتخاب (۲/۷۶) جزء مرفه‌ترین مناطق و نواحی آموزشی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت یک نفر دانش‌آموز دختر شهرستان زابل ۲۷۶ برابر یک نفر دانش‌آموز دختر در منطقه راسک از فرصت‌های آموزشی برخوردار است.

$$۲/۷۶ \div ۰/۰۱ = ۲۷۶$$

ضریب جینی ($G = ۰/۴۲۹۵ > ۰$) مشخص‌کننده فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران مناطق و نواحی آموزشی استان است (نمودار شماره ۵).

نمودار شماره ۵ منحنی لورنز دانش آموزان دختر متوسطه



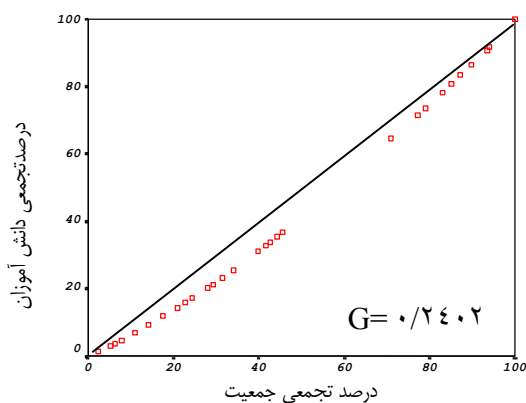
۲ - اختلاف ۶۰/۷۴ درصدی بین بیشترین و کمترین پوشش تحصیلی واقعی نشان‌دهنده فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دانش‌آموزان دختر مناطق و نواحی آموزشی استان است (جدول شماره ۲). به عبارت دیگر مناطق و نواحی آموزشی در پوشش افراد واجب‌التعلیم متناسب با جمعیت افراد لازم‌التعلیم عمل نکرده‌اند.

۳ - اختلاف ۳۳/۹۷ درصدی بین میانگین پوشش تحصیلی واقعی دختران استان با کشور حاکی از این است که مناطق و نواحی آموزشی استان در جذب دانش‌آموزان دختر واجب‌التعلیم ۳۳/۹۷ درصد پایین‌تر از میانگین کشوری بوده است ($۳۳/۹۷ = ۱۳/۸۳ - ۴۷/۸۰$).

فرصت‌های آموزشی بین دانش آموزان پسر متوسطه

۱ - رتبه‌بندی مناطق و نواحی آموزشی استان از نظر فرصت‌های آموزشی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه در پنج بخش بسیار مرفه، مرفه، متعادل، محروم و بسیار محروم حاکی از غیر یکسان بودن دسترسی به فرصت‌های آموزشی در بین مناطق و نواحی آموزشی استان است. در این راستا مناطق و نواحی نصرت آباد، بم پشت، سرباز، راسک، دلگان و کنارک با شاخص انتخاب کمتر از ۰/۵ در زمره محرومترین مناطق و نواحی آموزشی و مناطق سراوان، زابل، و بمپور با شاخص انتخاب بیشتر از ۱/۵ جزء مرفه‌ترین مناطق و نواحی آموزشی استان بوده است که نشان‌دهنده رتبه‌ای غیر یکسان در میان مناطق و نواحی آموزشی استان است. بر این اساس منطقه نصرت آباد با پایین‌ترین شاخص انتخاب ۰/۰۶ محرومترین منطقه و بمپور با بالاترین شاخص انتخاب (۱/۸۴) جزء مرفه‌ترین مناطق و نواحی آموزشی استان به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر می‌توان گفت یک نفر دانش آموز پسر منطقه بمپور ۳۰ برابر یک نفر دانش آموز پسر منطقه نصرت آباد از فرصت‌های آموزشی برخوردار بوده است ($30 = 1/84 \div 0/06$). ضریب جینی ($G = 0/2402 > 0$) گویای این نابرابری است (نمودار شماره ۶).

نمودار شماره ۶ - منحنی لورنز دانش آموزان پسر متوسطه



بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۷۱

۲ - اختلاف ۵۳/۴۷ درصدی بین بیشترین و کمترین پوشش تحصیلی واقعی پسران نشان دهنده این است که فرصت‌های آموزشی با رتبه‌ای یکسان بین دانش‌آموزان پسر مناطق و نواحی آموزشی استان توزیع نشده است (جدول شماره ۲).

۳ - اختلاف ۲۰/۱۷ درصدی بین میانگین پوشش تحصیلی واقعی پسران استان با کشور حاکی از این است که میانگین مناطق و نواحی آموزشی استان در جذب دانش‌آموز پسر واجب‌التعلیم ۲۰/۱۷ درصد پایین‌تر از میانگین کشوری عمل نموده است ($۲۰/۱۷ = ۲۶/۵۳ - ۴۶/۷۰$) (جدول شماره ۲).

مقایسه فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه

۱ - در این سال میزان دستیابی دانش‌آموزان دختر مناطق و نواحی آموزشی به فرصت‌های آموزشی کمتر از دانش‌آموزان پسر بوده است. بزرگتر بودن مقدار ضریب جینی دختران از پسران گویای این مسأله است. $G = ۰/۲۴۰۲$ پسران $G = ۰/۴۲۹۵ >$ دختران (جدول شماره ۲).

۲ - در همین سال وجود دانش‌آموزان دختر در هیجده منطقه و ناحیه با شاخص انتخاب کمتر از ۰/۵ و در بخش بسیار محروم نشان از محرومیت آنان دارد در حالی که دانش‌آموزان پسر تنها در شش منطقه و ناحیه با همین شاخص رتبه بندی شده‌اند که خود گویای فرصت‌های آموزشی کمتر دختران نسبت به پسران است.

۳ - اختلاف ۱۳/۸۰ درصدی مربوط به میانگین پوشش تحصیلی واقعی دختران و پسران استان با کشور حاکی از فرصت‌های آموزشی کمتر دختران نسبت به پسران است. به عبارت دیگر دانش‌آموزان دختر استان نسبت به دانش‌آموزان پسر در مقیاس کشوری ۱۳/۸۰ درصد از پوشش پایین‌تری برخوردار هستند ($۱۳/۸۰ = ۲۰/۱۷ - ۳۳/۹۷$) (جدول شماره ۲).

نرخ گذر تحصیلی بین دانش‌آموزان دختر و پسر

۱ - نرخ گذر تحصیلی دانش‌آموزان دختر از دوره ابتدائی به راهنمائی ۷۵/۶۲ درصد است و در مقایسه با شاخص کشوری ۱۷/۱۳ درصد پایین‌تر است. همین مسأله در مورد دانش‌آموزان پسر استان هم صادق است. نرخ گذر تحصیلی دانش‌آموزان پسر هم از میانگین کشوری ۱۴/۳۲ درصد پایین‌تر است. پایین بودن شاخص‌ها نشان از فرصت‌های نابرابر آموزشی در سطح استان دارد.

۲ - نرخ گذر تحصیلی دانش‌آموزان دختر استان از دوره راهنمایی به متوسطه نیز در مقایسه با شاخص کشوری ۸/۳۲ درصد پایین‌تر است. این مسأله در مورد دانش‌آموزان پسر استان هم وجود دارد یعنی نرخ گذر تحصیلی آن‌ها ۱۲/۱۳ درصد از میانگین کشوری پایین‌تر است که پایین بودن شاخص آموزشی استان دال بر عدم دستیابی به فرصت‌های آموزشی برابر است.

۳ - نرخ گذر تحصیلی دختران از مقطع ابتدایی به راهنمایی از پسران پایین‌تر است.

۴ - نرخ گذر تحصیلی پسران از مقطع راهنمایی به متوسطه پایین‌تر از دختران است.

جدول شماره ۳ - نرخ گذر تحصیلی دانش‌آموزان استان و کشور از ابتدائی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه به تفکیک جنسیت در سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵

نرخ گذر تحصیلی از ابتدایی به راهنمایی استان		نرخ گذر تحصیلی از ابتدایی به راهنمایی کشور		اختلاف نرخ گذر استان و کشور از ابتدایی به راهنمایی	
دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر
۷۵/۶۲	۸۱/۸۶	۹۲/۷۵	۹۶/۱۸	۱۷/۱۳	۱۴/۳۲
نرخ گذر تحصیلی از راهنمایی به متوسطه استان		نرخ گذر تحصیلی از راهنمایی به متوسطه کشور		اختلاف نرخ گذر استان و کشور از راهنمایی به متوسطه	
دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر
۷۷/۸۱	۷۲/۳۲	۸۶/۱۳	۸۴/۵۵	۸/۳۲	۱۲/۲۳

بحث و نتیجه گیری

استان سیستان و بلوچستان یکی از معدود استان‌هایی است که در زمینه شاخص توسعه انسانی همواره در پایین‌ترین و آخرین رتبه‌بندی‌ها در کشور قرار گرفته است. به جهت شاخص توسعه انسانی، استان در سال ۱۳۶۵ (۰/۳۸۷) بیست و سومین استان کشور و در سال ۱۳۷۵ (۰/۴۷۰) بیست و چهارمین استان کشور پس از استان کردستان بوده است. در واقع استان پس از ده سال تلاش رتبه‌ای پایین‌تر از سال ۱۳۶۵ را احراز کرده است. در همین راستا بررسی کلی وضعیت سواد در استان طی سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵ نشان می‌دهد که هرچند درصد کل باسوادان اعم از زن و مرد از ۲۹/۷۵ درصد در سال ۵۵ به ۳۵/۹۹ درصد

بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۷۳

در سال ۶۵ و به ۵۷/۲۶ درصد در سال ۷۵ افزایش داشته است ولی تفاوت بین نرخ باسوادی افراد مذکر و مؤنث در طول سال‌های ۵۵ و ۶۵ از حدود ۲۱ درصد به ۱۶/۶۴ درصد در سال ۷۵ کاهش یافته است. نکته قابل توجه در این آمارها این است که میزان باسوادی دختران در طی این سه دهه افزایش یافته ولی در مقایسه با مردان همچنان از سطح پایین‌تری برخوردار بوده است. با توجه به اینکه یکی از متغیرهای اساسی تأثیرگذار بر شاخص توسعه انسانی، به ویژه در دوره آموزش عمومی، نرخ باسوادی و آموزش است نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از وضعیت نامناسب سواد در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مناطق و نواحی آموزشی استان است. همچنین شاخص پوشش تحصیلی هر دو جنس از میانگین کشوری پایین‌تر و دختران نسبت به پسران از پوشش تحصیلی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. از طرفی دیگر هر چه از سطوح پایین‌تر یعنی از ابتدایی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه می‌رویم سهم دختران واجب‌التعلیم از سواد به شدت تنزل می‌یابد. پوشش ۶۱/۴٪ برای ابتدایی، ۲۰/۱٪ برای راهنمایی و ۱۱/۵٪ در مقطع متوسطه مؤید این مسأله است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۰: ۲۰).

فرصت‌های آموزشی بین دو جنس در نرخ گذر تحصیلی نشان می‌دهد که گذر تحصیلی دختران از ابتدایی به راهنمایی، هم از میانگین کشوری و هم از میانگین پسران استان پایین‌تر است. اما همین شاخص برای دختران از راهنمایی به متوسطه بالاتر از نرخ پسران است ولی همچنان از میانگین کشوری پایین‌تر است که از جمله دلایل اقتصادی آن این است که پسران استان پس از پایان سوم راهنمایی ترجیح می‌دهند وارد بازار کار شوند و ضمن کسب درآمد به خانواده خود از لحاظ اقتصادی کمک کنند. نرخ ۱/۷۶ درصدی ترک تحصیل پسران در مقطع راهنمایی این مسأله را تأیید می‌کند. در حالی که همین نرخ برای دختران ۱/۰۱ درصد است.

با وجود آن که قانون اساسی دولت‌ها را موظف به انجام فعالیت‌های برابر در خصوص زنان و مردان نموده است. هنوز تبعیض و بی‌توجهی‌ها نسبت به زنان در استان ادامه دارد و استان از چهل هزار بازمانده از تحصیل و لازم‌التعلیم دختر و پسر رنج می‌برد که بخشی از این مشکل ریشه در ساختارهای فرهنگی و کلیشه‌ای حاکم بر استان دارد. در استان هنوز سنت منسوخ و قدیمی برتری پسر بر دختر وجود دارد. علیرغم این که زن در جامعه و تولید نقش دارد هنوز به عنوان جنس دوم محسوب می‌شود. چون مرد نان‌آور خانواده است و زن ضروری است تا در خانه بماند (شهریاری، ۱۳۸۴: ۴۰).

ازدواج زود هنگام دختران و قبول وظائف مادری در منطقه یکی از دلایل ترک تحصیل و مانعی برای ادامه تحصیل دختران است. آنچه تبعیض علیه زنان را دو چندان می‌کند این است که نابرابری‌ها به صورت فرهنگ جنسیتی رواج می‌یابد. صفات انتسابی به هر گروه این مسأله را روشن می‌کند. یعنی مردان کامل و در رده بالاتر و زنان ناقص و در مراتب پایین‌تر و در نهایت این فرهنگ به صورت نگرش جنسیتی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. نتیجه مهمی که از اطلاعات موجود در این مقاله گرفته می‌شود آن است که دولت باید با آموزش هر چه بیشتر دختران و پسران به ویژه دختران که از نابرابری‌های مضاعفی رنج می‌برند، به چرخه‌ی محرومیت آنان پایان بخشد و با سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی آنان از فواید اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از آن جامعه را بهره‌مند سازد.

منابع

- آمار آموزش و پرورش (سال تحصیلی ۷۵ - ۱۳۷۴) ناشر وزارت آموزش و پرورش.
- آمار آموزش و پرورش (سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵) ناشر وزارت آموزش و پرورش.
- آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان سیستان و بلوچستان (۱۳۷۵) انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان .
- آبیلی، فاطمه (۱۳۸۳) *آسیب شناسی مسایل فرهنگی زنان در کشور*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان.
- آل آقا، فریده (۱۳۷۳) *بحران جهانی آموزش و پرورش*، تألیف فیلیپ کومبز، پژوهشگاه علوم انسانی.
- اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۰) *کردستان و مسأله نابرابری‌های آموزشی*، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۰ .
- بارانی، صدیقه و همکاران (۱۳۷۸) *بررسی و مقایسه نابرابری فرصت‌های آموزشی بین دانش‌آموزان دختر و پسر مناطق و نواحی آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان*، پروژه تحقیقات مرکز آموزش عالی فرهنگیان زاهدان .
- تودارو، مایکل (۱۳۷۱) *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه فرجادی پور، تهران: سازمان برنامه و بودجه. جلد اول و دوم، چاپ دوم.
- دانش‌خانه، فاطمه (۱۳۸۰) *بررسی عوامل مؤثر در نابرابری‌های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران*، تعلیم و تربیت، سال ۱۷، شماره ۴ .
- دبیری، عباس (۱۳۷۸) *بررسی میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی استان هرمزگان در سال تحصیلی ۱۷ - ۱۳۷۶*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

بی عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان ۱۷۵

- رضایی، عربعلی (۱۳۷۳) گزارش جهانی آموزش و پرورش، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی.
- شهریاری، ام البنین (۱۳۸۴) بررسی راه‌های توانمند سازی زنان استان سیستان و بلوچستان با توجه به ویژگی های فرهنگی و اجتماعی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- صدیق سروستانی، رحمت ا... (۱۳۸۰) جایگاه دختران و زنان در جامعه سیستان و بلوچستان به سفارش یونسف، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عزیززاده، هادی (۱۳۶۷) بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین استان‌های کشور، تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کلیدری، محمد حسین (۱۳۷۴) بررسی نابرابری فرصت‌های آموزش در استان خراسان طی سال‌های برنامه اول دولت (۶۸-۷۲) پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی و درسی: دانشگاه علامه طباطبایی.
- محسن پور، بهرام (۱۳۷۶) فرآیند برنامه ریزی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه.
- مرادی، مسعود (۱۳۸۳) بررسی برابری فرصت های آموزش در دوره متوسطه و عوامل مربوط با آن در مناطق آموزش استان زنجان، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.
- مشایخ، فریده (۱۳۷۷) فرآیند برنامه ریزی آموزشی، تألیف گروه مشاوران یونسکو، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مدرسه.
- معروفی، یحیی (۱۳۷۹) بررسی نابرابری فرصت‌های آموزشی دوره متوسطه در مناطق آموزشی تابعه استان کردستان در سنوات تحصیلی ۷۲ - ۷۱/۱ الی ۷۸ - ۷۷، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان.
- ملکی، حسن (۱۳۷۲) آشنایی با قانون اساسی، دوره کاردانی تربیت معلم، وزارت آموزش و پرورش.
- میر هادی، مهدی (۱۳۸۴) بررسی میزان نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزش در آموزش و پرورش اصفهان، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.

UNESCO online, All Human Rights for all Fiftieth Anniversary of the Universal Declaration of Human Rights.

Hannum, Emily. (2000), *Educational, Expansion and Demographic*, Harvard, Institute for International Development, www.census.org/ipc/.

Melchiorre, Angela. (2004), *At What Age ... are School Children Employed, Married and Taken Court ?* Second Edition Online.

Meyers, Rob. (2003), *Inequality of Education*, www.csue.berkclly.edu/~Meyers/education term. Himl

Tomasevski, Katarina. (2005), *Education Denied Costs and Remedies*, March 2003.

Tomasevski, Katarina. (2006), *Education and Policy*, online.